



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

فرآیند بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبری با تأکید بر عوامل اقتصادی

سید جمال موسوی^۱، محمد روحانی مقدم^{۲*}، مریم آقایی بجنستانی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده بزه‌دیدگی اطفال یکی از آسیب‌های اجتماعی تلقی و به معنی هر گونه آسیب جسمی یا روانی، سوءاستفاده جنسی و یا غفلت و بی‌توجهی به نیازهای اساسی کودک می‌باشد. فضای سایبری به عنوان یکی از محیط‌های نوین ارتباطی و با وجود همه مزیت‌ها و جذابیت‌های این فضا یکی از مهمترین مشکلات مربوط به آن بزه‌دیدگی سریع و وسیع اطفال می‌باشد که کنجکاوی کودک و عدم قدرت تشخیص او و سرعت و تعدد بزه‌کاران فضای مجازی لزوم دقت نظر ویژه‌ای در این زمینه را می‌طلبد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، با ظهور بزه‌دیده‌شناسی اطفال، در دهه اخیر، گام‌های بلندی به منظور مطالعه اطفال بزه‌دیده و شناسایی ویژگی‌ها و عملکرد آنان در ارتکاب جرایم علیه خود برداشته شده و به سبب تأثیرگذاری انگیزه‌های اخلاقی و مذهبی بر بزه‌دیده‌شناسی اطفال، چشم‌انداز جدیدی تحت عنوان «حمایت از بزه‌دیدگی اطفال» فرا روی بزه‌دیده‌شناسان و اساتید فن گذاشته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: در قوانین مختلف به طور عام پیش‌بینی‌های خوبی شده است لکن به نظر می‌رسد مشکلات عمده در اجرای قوانین در برخورد با اطفال بزه‌دیده و استفاده از مجازات‌های جایگزین به جای استفاده از مجازات‌های سنتی باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۷-۵۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

واژگان کلیدی:

جرم‌شناسی، فضای سایبری، کودک‌آزاری، بزه‌دیدگی اطفال، پیشگیری.

نویسنده مسوول:

محمد روحانی مقدم

آدرس پستی:

ایران، سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۵۳۲۶۵۳۶

کد ارکید:

0000-0003-4655-0844

پست الکترونیک:

rohani113@gmail.com

۱. مقدمه

است جابجایی نقش بزهکار - بزه‌دیده بسیار متداول باشد. بدین ترتیب این رهیافت نو که در ادبیات علوم جنایی از آن به "پیشگیری زودرس" یاد می‌کنند، از یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی نیز سرچشمه می‌گیرد. در اینجا با اصطلاحی به نام کودک در معرض خطر یا در آستانه خطر روبه‌رو می‌شویم که به کودکی گفته می‌شود که سلامت بدنی، روانی و اخلاقی او در آستانه خطر شدید است. هرگاه این خطر شدید ویژگی مجرمانه داشته باشد، کودک در معرض خطر بزه‌دیدگی انگاشته می‌شود. همچنین، کودک در آستانه خطر ممکن است با ادامه وضعیت خطرزا در آینده به بزه‌دیده تبدیل شود.

علاوه بر این کودک‌آزاری نیز یکی از کلیدواژه‌های مرتبط با این مقوله است. کودک‌آزاری، عبارت است از آسیب رساندن بدنی، روانی یا عاطفی عمدی یا از روی غفلت به یک کودک، به ویژه به شکل بدرفتاری یا سوءاستفاده جنسی یا ترک کودک توسط پدر و مادر یا پرستار کودک که به بهره‌کشی یا سوءاستفاده آسیب‌شدیدی بدنی، روانی یا عاطفی، بدرفتاری یا سوءاستفاده جنسی، یا مرگ کودک بینجامد. در جرم‌شناسی، آسیب‌پذیری فرد یکی از معیارهای اصلی طبقه‌بندی در بزه‌دیده‌شناسی نخستین است که در یکی از این طبقه‌بندی‌ها، کودکان بزه‌دیده بر پایه معیار آسیب‌شناسانه سن، از بزرگسالان بزه‌دیده جدا می‌شوند. پیامد چنین دیدگاهی عبارت بود از دگرگونی نگرش‌ها در چگونگی برخورد با بزهکاری نوجوانان که به پیدایش شاخه نویی در سیاست

کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، همواره در معرض آسیب‌های ناشی از رفتار بزرگسالان بوده‌اند. تاریخ پیدایش کودک‌آزاری به زمان‌هایی دور برمی‌گردد. زمان‌هایی که کودک به عنوان کالا داد و ستد می‌شد و حق هیچ اعتراضی نسبت به حقوق از دست رفته خود نداشت. با گذشت زمان و متمدن شدن جوامع، نسبت به حقوق اطفال حساسیت بیشتری نشان داده شد و در دو عرصه بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال تمهیدات خاصی اندیشیده شد.

کودکان به لحاظ ویژگی‌های جسمی و روحی خاص نیازمند سیاست‌های متفاوت نسبت به بزرگسالان می‌باشند. آسیب‌پذیری فرد از نظر معیار آسیب‌شناسانه سن، نه تنها در برخی از شاخه‌های علوم جنایی (مانند جرم‌شناسی و حقوق کیفری فنی یا خاص - گرایش کودکان و نوجوانان) جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه موضوع یکی از شاخه‌های سیاست جنایی افتراقی است. در حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، کودک موجود انسانی است که از نظر ویژگی بدنی و روانی با بزرگسالان متفاوت است. این تفاوت او را بیش از بزرگسالان در برابر کژروی و بزهکاری آسیب‌پذیر می‌سازد. از دیدگاه جرم‌شناسی نیز، گستره تدابیر روان‌شناسانه و اجتماعی برای مداخله در پیشگیری از رفتارهای کژروانه با پایان دادن به عواملی که فرد را از دوران کودکی در آستانه خطر قرار می‌دهد، در بردارنده افراد آسیب‌پذیری است که امکان بزهکاریشان در آینده همواره وجود دارد. در مورد این افراد ممکن

جنایی به نام سیاست جنایی افتراقی در برابر کودکان و نوجوانان انجامید. یکی از عرصه‌های اجتماعی نوین که به شدت سلامت روانی کودکان را تهدید می‌کند فضای سایبری است. امروزه با پیشرفت‌های سریع و تحولات رو به رشدی که در فضای سایبری شاهد هستیم زمینه ارتکاب جرایم سایبری و در فضای مجازی به شدت فراهم شده است. در این راستا حضور خواسته یا ناخواسته کودکان در چنین فضایی موجبات بزه‌دیدگی آنان را تسهیل نموده است و گاه عدم تخصص کافی والدین نسبت به چنین فضاهایی یا حضور فعال بزهکاران و راحتی ارتکاب جرایم در این فضا بزه‌دیدگی کودکان در این فضا را سرعت بخشیده و جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی این آینده‌سازان و تلاش در جهت قربانی نشدن آن‌ها در نقشه‌های شوم بزهکاران تدابیر خاص را می‌طلبد.

پرسش اساسی که در این جا مطرح می‌شود این است که، در فرآیند بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبری، چه عوامل اقتصادی و مذهبی نقش دارند؟ شناخت این عوامل به قانون‌گذاران در فرآیند طراحی قانون کمک شایانی می‌کند. زیرا شناخت دقیق نیازها و مبانی است که اساس طراحی یک قانون خوب را تشکیل می‌دهد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر باید عنایت داشت که، فقهای امامیه در مباحث کیفری حدود، قصاص و دیات به مصادیقی در خصوص سیاست جنایی افتراقی نظام کیفری اسلام در مواجهه با بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال به بحث پرداخته‌اند.

این مباحث به صورت پراکنده در مباحث کیفری مطرح شده است. با توجه به اهمیت بحث بزه‌دیدگی اطفال و کودک‌آزاری به ویژه در حقوق ایران، کتب مرتبط با این حیطه نیز به چاپ رسیده است: جمال بیگی در کتاب بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، بزه‌دیدگی اطفال را مورد بررسی قرار داده و حمایت از بزه‌دیدگی جسمانی و جنسی اطفال و حمایت از بزه‌دیدگی روانی و بهداشتی اطفال را لازم و ضروری می‌داند. شهلا معظمی در کتاب بزهکاری کودکان و نوجوانان مفهوم کودکی، نوجوانی، بزهکاری و ماهیت بزهکاری اطفال و نوجوانان را مورد بررسی قرار داده و خانواده را در پیشگیری از بزهکاری عامل اصلی معرفی می‌کند. هوشنگ شامبیاتی در کتاب بزهکاری اطفال و نوجوانان به طرق پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان اشاره کرده و ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده و تأمین آموزش و پرورش مناسب را در پیشگیری از بزهکاری آنان مؤثرتر می‌داند.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

اقتصادی، سیاسی و آموزشی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی در مورد پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال دارد و نیاز به مشارکت همه‌جانبه دولت و مردم در حل مسئله‌ی بزه‌دیدگی اطفال دارد. از آنجا که اطفال و نوجوانان به لحاظ روانی و جسمانی در حال رشد هستند و شخصیت آنان در حال شکل‌گیری است و بنابراین هنوز بالیده نیستند، در جامعه به ویژه در برابر بزهکاری، بیشتر از بزرگسالان آسیب پذیرند و از همه مهمتر کمتر از بزرگسالان می‌توانند مصالح عالی خود را تشخیص دهند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، با ظهور بزه‌دیده‌شناسی اطفال، در دهه اخیر، گام‌های بلندی به منظور مطالعه اطفال بزه‌دیده و شناسایی ویژگی‌ها و عملکرد آنان در ارتکاب جرایم علیه خود برداشته شده و به سبب تأثیرگذاری انگیزه‌های اخلاقی و مذهبی بر بزه‌دیده‌شناسی اطفال، چشم‌انداز جدیدی تحت عنوان «حمایت از بزه‌دیدگی اطفال» فرا روی بزه‌دیده‌شناسان و اساتید فن گذاشته است.

۵. بحث

یکی از مسایل مهم مرتبط با بزه‌دیدگی اطفال در فضا سایبری شناسایی انواع بزه در فضای سایبری است که کودکان را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر احصای مصادیق بزه در این فضا ما را در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال یاری می‌رساند.

از سوی دیگر آشنایی با علل بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی به ارایه راهکارهای پیشگیرانه به ویژه در حیطه پیشگیری وضعی کمک شایانی خواهد نمود لذا در این فصل ضمن بررسی انواع بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبری، علل و عوامل موثر در این امر را نیز بر خواهیم شمرد به ویژه که فضای سایبری به عنوان محیطی جدید در گستره جغرافیای انسانی امروزه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

بسیاری از انواع بزه‌دیدگی اطفال دارای علل روانشناختی است و تنها اعمال کیفر و قانون راهگشا نخواهد بود. توجه به شرایط اجتماعی،

۵-۱. تحلیل فرآیند بزه‌دیدگی در فضای**سایبری**

ارتکاب عمل مجرمانه که محور اصلی مطالعات جرم‌شناسی است، تنها نقض قانون و هنجار اجتماعی نیست، بلکه مشابه دیگر رفتارهای انسانی اصولاً باید هدفمند بوده و ناشی از وجود قدرت انتخاب باشد، به عبارتی می‌توان گفت غالباً عملکردی اختیاری است و انسان دست به یک سلسله انتخاب‌های استراتژیک عقلانی می‌زند. بر این اساس نظریات مختلفی از سوی جرم‌شناسان مطرح گردید که دارای نوعی جهت‌گیری جامعه‌شناختی، زیست‌شناختی بود. برخلاف نظریه‌های جرم‌شناختی که توجه کمی به عوامل موقعیتی تعیین‌کننده جرم را داشتند، هدف اصلی این نظریه‌ها همچون نظریه مدل انتخاب عقلانی، شیوه زندگی و...، بررسی فرآیندهای اجتماعی و رخدادهای روان‌شناختی به عنوان دلایل وقوع جرم

لذا اگرچه جرم، عملی نکوهیده و غیرعقلانی است ولی در نهان خود واجد عقلانیت است، هرچند مسائل عقلانیت بطور کامل در این دیدگاه مورد نظر نیست.

نظریه انتخاب عقلانی به تشریح انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم به عنوان تلاشی برای رفع نیازهای عادی نگاه می‌کند و این عقلانیت فرآیند تصمیم‌گیری است که فرصت‌ها را برای رفع نیازها، هزینه‌های بالقوه عمل و سودهای پیش‌بینی شده، تعیین می‌کند. البته این فرآیند عقلانی تصمیم‌گیری، نه تنها به کار محاسبه برای تصمیم به ارتکاب جرم می‌پردازد، بلکه زمان و مکان ارتکاب جرم را نیز تعیین می‌کند.

بر این اساس بهتر است گفته شود که مجرم دارای عقلانیتی محدود است و همه بزهکاران به یک اندازه منطقی و معقول رفتار نمی‌کنند، اگرچه منطقی بودن و معقولیت یک رفتار مجرمانه با توجه به دیدگاه‌های فرد مجرم، متفاوت است، اما می‌توان گفت این جرایم گوناگون بواسطه انتخاب‌هایی پدیدار گشته‌اند که کاملاً هم بی‌بهره از دلایل عقلانی نیستند (علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد، ۱۳۹۲، ۲۶-۹).

۵-۱-۲. نظریه فعالیت روزمره

این نظریه که بیشتر به لاری کوهن و مارکوس فلسن (۱۹۷۹) مرتبط است، در مقام پاسخ به این پرسش است که چه عواملی تمایل به ارتکاب جرم را مساعد می‌کند و موقعیت و شرایط بزه‌دیده و یا

و فرآیند عقلانی تصمیم‌گیری و انتخاب در بزهکاران می‌باشد.

۵-۱-۱. نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی بیشتر به واسطه تحقیقات کورنیش و کلارک (۱۹۸۷ و ۱۹۸۶) شناخته شده است. این رویکرد یک اصل محوری دارد و آن این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده است، آدمیان در چند راهی‌ها، راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند و برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند. بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینش عقلانی فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد. به علاوه در این نظریه اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد. نظریه انتخاب عقلانی به تشریح انگیزه و دلایل مجرم برای ارتکاب جرم می‌پردازد و معتقد است که انتخاب یک عمل مجرمانه، عمدتاً با تکیه بر ویژگی‌های رفتار مجرمانه و همچنین خصایص فردی مجرم صورت می‌گیرد. به عبارتی بزهکار برای ارتکاب جرم، هم موقعیت تحقق بزه و احتمال به نتیجه رسیدن آن را می‌سنجد و هم توانایی‌ها و نقاط ضعف خود را مدنظر قرار می‌دهد. از نظر کلارک به شخص مجرم باید به عنوان یک تصمیم‌گیرنده اقتصادی نگریست که انتخاب‌هایش تابع حداکثر سود است و براساس هزینه‌ها و منفعت دست به تصمیم‌گیری عقلانی می‌زند.

۳) پائین بودن یا عدم وجود ایمنی و محافظت از هدف مانند عدم حضور مالکین خانه، پلیس، همسایگان.

بنابراین، این نظریه بر عنصر «فرصت مجرمانه» نیز به شکلی اساسی، تأکید می‌کند. البته این نظریه پردازان علاوه بر عوامل سه‌گانه بالا، تغییراتی را که در جامعه سبب نابسامانی اجتماعی می‌شود را نیز مورد توجه قرار داده‌اند و معتقدند همزمان با تغییرات اجتماعی، فرصت ارتکاب جرم نیز تغییر می‌کند.

فعالیت‌های اجتماعی و روزمره سبب می‌شود تا مجرمان و قربانیان به ارتباط با یکدیگر برسند و نوعی همگرایی میان مجرمان با انگیزه، اهداف و عدم ایمنی ایجاد شود و تغییر در این فعالیت‌ها احتمال وقوع جرم را بیشتر و یا ضعیف‌تر می‌کند. به دلیل فعالیت‌های روزمره، قربانیان مناسب اغلب بیشتر یافت می‌شوند؛ مثلاً برنامه کاری فرصت‌هایی را برای سرقت از طریق حضور یک هدف مناسب با نگرهبان کم به وجود می‌آورد. تغییرات اجتماعی مانند افزایش زنان شاغل موجب کاهش تعداد افراد منزل در طی ساعات کاری شده و احتمال سرقت بالا می‌رود. بنابراین از این نظریه جهت تشریح نرخ‌های بزه‌دیدگی برای برخی جرم‌ها نیز، می‌توان استفاده کرد. برخی افراد بر پایه تفاوت‌هایشان در فعالیت‌های جاری، بیش از دیگران برای سرقت، تجاوز، قتل و... مناسب هستند و به همین شکل برخی موقعیت‌ها به دلیل نوع فعالیت‌ها و میزان فعالیت اجتماعی موجود برای وقوع جرم مناسب‌تر هستند.

آنچه را شرایط مشرف بر وقوع جرم می‌نامیم تا چه اندازه در وقوع جرم مؤثر است.

نظریه فعالیت روزمره اساساً بر این اعتقاد است که جرم ارتکاب‌یافته و بزه‌دیدگی با طبیعت خصوصیات زندگی معمولی انسان یا به عبارتی تعامل‌ها و همکنش‌های اجتماعی در ارتباط است و همزمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات، نرخ جرایم نیز تغییر می‌کند. به عبارتی همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد، فرصت‌های وقوع خشونت و تعدی را هم فزونی می‌بخشد.

فعالیت‌های روزمره شامل هر فعالیت اجتماعی عادی می‌شود که برای برآوردن نیازهای اساسی زندگی صورت می‌گیرد. برخی افراد براساس تفاوت‌هایشان در فعالیت‌ها، بیش از دیگران به عنوان آماج برای بزه‌کاران و ارتکاب جرم، ایده‌آل به نظر می‌آیند و به همین ترتیب برخی موقعیت‌ها به دلیل نوع و میزان فعالیت اجتماعی برای وقوع جرم مناسب‌تر هستند (علیوردی‌نیا و علی‌مردانی، ۱۳۹۶، ۲۴-۱).

بر این اساس ارائه‌کنندگان این نظریه معتقدند وقوع جرم می‌تواند بیانگر حضور سه عامل باشد:

۱) مجرمین برانگیخته و انگیزه داری که مستعد ارتکاب جرم هستند مانند افراد بیکار و جوانان بی‌سرپرست.

۲) وجود هدف یا آماج مناسب و جاذبه‌دار مانند خانه‌های بی‌حفاظ - ماشین‌های قفل نشده.

نظریه شیوه زندگی بواسطه عواملی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از این فاکتورها نقشی است که افراد در جامعه ایفا می‌کنند و این نقش، بعضاً کمابیش آنها را بسوی بزه‌دیدگی می‌کشاند. برای مثال جوانان بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند. زیرا نقش‌های اجتماعی آنها سبب می‌شود بیشتر در محیط‌های مجرمانه و خطرناک و یا در زمان‌های خطرناک رفت و آمد کنند.

عامل دیگر تصمیمات افراد در مورد محدوده رفتارهایشان است. افراد با انتخاب فعالیت‌هایی در زمان‌ها و مکان‌هایی خاص و خطرناک، احتمال بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند.

موقعیت فرد در ساختار اجتماع نیز می‌تواند در احتمال بزه‌دیدگی مؤثر باشد چرا که اغلب هرچه افراد دارای موقعیت اجتماعی بالاتری باشند به دلیل فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند و محیط‌هایی که به آن رفت و آمد می‌کنند خطر بزه‌دیدگی‌شان پایین می‌آید. هرچه افراد با اشخاص بزهکار و یا محیط‌هایی مجرمانه و خطرناک و یا زمان‌های خطرناک بیشتر رفت و آمد کنند شانس بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند. موقعیت‌های احتمالی بوجود آمده بین بزهکار و بزه‌دیده بالقوه با توجه به سبک زندگی آنها تغییر می‌کند. بنابراین با توجه به تصمیماتی که افراد برای برگزیدن انواع شیوه‌های زندگی اتخاذ می‌کنند احتمال بزه‌دیدگی نسبتاً قابل پیش‌بینی است و می‌توان گفت علل بزه‌دیدگی برخی افراد انتخاب نوع سبک زندگی آنان است که خطر بزه‌دیدگی را کم یا زیاد می‌کند (ولبرت و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۰۱).

احتمال بزه‌دیدگی عملکردی است که به انگیزه مجرمانه و رفتار بالقوه بزه‌دیدگان مربوط است و این نظریه نوعی رهیافت محسوب می‌شود که راه مورد اطمینانی برای درک جرم و خصوصیات بزه‌دیدگی می‌باشد البته دامنه نظریه فعالیت روزمره به مجرمانی که در تلاش‌اند تا به تشریح اینکه چه چیزی جرم را تسهیل می‌کند بپردازند، نیز گسترده شده است. لذا رهیافت فعالیت‌های عادی یا روزمره که اساساً فقط شامل بزه‌دیدگی می‌شود، اینک یک نظریه جرم‌زایی نیز هست (علیوردی‌نیا و علیمردانی، ۱۳۹۶، ۲۴-۱).

۵-۱-۳. نظریه شیوه زندگی

دیدگاه شیوه زندگی که توسط گات فردسن، هیندلنگ و گاروفالو (۱۹۷۸) توسعه یافت، در پی بررسی این مسئله است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند؟ مطابق این دیدگاه آنان بر این باورند که جرم یک واقعه اتفاقی نیست بلکه بزه‌دیدگی براساس شیوه یا سبک زندگی افراد و عملکرد زندگی آنان متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آنها دارد، چراکه شیوه سبک زندگی افراد را بیشتر در دسترس و در معرض تهاجم بزهکاران قرار می‌دهد. هرچه افراد شیوه زندگی بازتری داشته باشند خطر و احتمال بزه‌دیدگی‌شان نیز بیشتر می‌شود. بر این اساس این نظریه توزیع نامنظم بزه‌دیدگی در زمان و مکان را بر حسب تفاوت شیوه زندگی بزه‌دیدگان و دیگران تبیین می‌کند.

۵-۲-۱-۱. شغل والدین

اگرچه در همه گروه‌های شغلی کودک‌آزاری گزارش می‌شود، اما زمانی که صرفاً بحث اشتغال و استرس و فشارهای روانی همراه با آن به میان می‌آید، والدینی که از ثبات شغلی بیشتری برخوردارند و ساعت کمتری را به کار اختصاص می‌دهند توجه بیشتری به کودکان خود دارند زیرا آزارهایی که به واسطه استرس شغلی والدین به کودک وارد می‌شود، در این خانواده‌ها کمتر است. در تحقیقات انجام شده در این زمینه ارتباط بین شغل والدین با گزارش‌های کودک‌آزاری از لحاظ آماری معنادار بوده است و معمولاً دانش‌آموزانی که پدرانشان بیکار بوده‌اند، بیشتر از سایر دانش‌آموزان مورد آزار قرار گرفته‌اند (اسداللهی حاجی کرد، ۱۳۸۰، ۷۶).

در خصوص مشاغلی که بیشتر با فضای مجازی مرتبط هستند و با امکانات فراوان این فضا در محیط خانواده زمینه دسترسی بدون محدودیت کودک به این امکانات و در نتیجه فضای سایبری فراهم است. لذا می‌توان چنین استنتاج کرد که مشاغل والدین امکان بزه‌دیدگی کودکان را افزایش می‌دهد.

۵-۲-۱-۲. سابقه محکومیت یا سوءپیشینه**والدین**

والدینی که خشن، ضداجتماعی و یا دارای سابقه کیفری هستند و آن‌هایی که خارج از خانواده پرخاشگرند احتمال بیشتری هست که در خانواده خود خشن و بدرفتار باشند. انحطاط اخلاقی والدین

۵-۲. بررسی علل مؤثر در بزه‌دیدگی اطفال**در فضای سایبری**

در بزه‌دیدگی اطفال عوامل اجتماعی و محیطی، سیاسی، فرهنگی و یا علل روان‌شناختی و بالینی مؤثر هستند. در میان این عوامل، عوامل اجتماعی و محیطی بیشترین تأثیر را دارند که دارای جنبه‌های متعددی می‌باشند. یکی از فضاها جرم‌خیز که امروزه تأثیر زیادی در بزه‌دیدگی اطفال دارد فضای سایبری است. محیطی با جاذبه فراوان برای کودک و قابلیت‌های متعدد جرم‌خیز و آسیب و دردهای عظیم که گاه عدم آشنایی دقیق والدین با این فضا زمینه‌ساز بزه‌دیدگی کودکان می‌گردد. از دیدگاهی دیگر، برخی از این عوامل منشاء بیرونی دارد و برخی درونی. برخی علل ممکن است از والدین یا خود کودک ناشی شود که به تفصیل بدان می‌پردازیم.

۵-۲-۱. علل مربوط به شخصیت و ویژگی‌های**والدین**

علل شایع دیگر علی هستند که به والدین کودک برمی‌گردد که نهایتاً در شکل‌دهی و نحوه برخورد آن‌ها با کودک تأثیر می‌گذارند و در بزه‌دیدگی آن‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. در بررسی علل بزه‌دیدگی اطفال، موارد متعددی مربوط به والدین به چشم می‌خورد که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

می‌توانند با افراد مختلف و بدون محدودیت خاصی گفتگو کنند، تبلیغ کنند، انواع سرگرمی‌های مجازی را دریافت و منجر به بزه‌دیدگی بعضی اشخاص بویژه کودکان و نوجوانان شود. امروزه نوجوانان با اینترنت بزرگ شده‌اند و به نوبه خود به شدت با فرصت‌های متعدد استفاده برخط از این ابزار آشنا هستند کودکان دختر و پسر با استفاده از روش‌های مختلف مربوط به ارتباطات رایانه‌ای مثل ایمیل، چت، شبکه‌های اجتماعی درگیر جریان جامعه‌پذیری برخط آنلاین هستند به علاوه کودکان و نوجوانان نه تنها با استفاده از اینترنت در جامعه در جریان جامعه‌پذیری قرار دارند بلکه زمان زیادتری را به کار ارتباطات اینترنتی اختصاص می‌دهند استفاده از وسایل ارتباط رایانه قادر به ایجاد تعاملاتی مثبت می‌باشد و کاربران را در توسعه روابط مورد علاقه خویش توانا می‌سازد.

علاوه بر ویژگی‌هایی که وجود آنها در محیط سایبر می‌تواند زمینه‌ساز بزه‌دیدگی کودک و اعمال خشونت نسبت به وی را موجب شود، در سطح محیط زندگی نیز عوامل خانوادگی و اجتماعی نیز نقش بسیار مهم و موثری ایفا می‌کنند که جداگانه در ادامه بیان خواهد شد.

۵-۲-۲-۱. جمعیت خانواده

خانواده‌ی شلوغ یکی از کانون‌های وقوع کودک‌آزاری محسوب می‌شود. جمعیت زیاد خانواده، توجه و مراقبت کافی نسبت به کودکان را محدود خواهد کرد و با استرس‌های جانبی که ایجاد می‌کند، خطر وقوع کودک‌آزاری را افزایش

از دیگر عواملی است که به عنوان عامل خانوادگی تأثیرگذار بر کودک‌آزاری مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵-۲-۲. علل محیطی

امروزه با پیشرفت و توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات فضاهای جدید جغرافیایی شکل گرفته و روابط نوین فضایی را سبب شده که به موازات پیشرفت فناوری و ارتباطات امکان تعامل و ارتباط انسان‌ها در این فضاهای جدید میسر شده است. از جمله فضاهای نوین، می‌توان شبکه‌های اجتماعی مجازی را نام برد گستردگی روابط و تعاملات در این فضا چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی موجب به وجود آمدن ضوابط و هنجارهای خاص شده که به نظر می‌رسد با قوانین عامه متفاوت باشد و این بدین سبب است که رفتارهای ما در فضای سایبری نسبت به رفتار ما به عنوان یک شهروند متفاوت است. به این خاطر که گستردگی این فضا امکان ارتباط برقرار کردن با تعداد افراد زیادی در یک لحظه را امکان‌پذیر می‌کند و همچنین بدون مرز بودن و سیال بودن فضای سایبری از ویژگی‌های است که می‌تواند منجر به شکل‌گیری رفتارهای متفاوت نسبت به محیط بیرون شود. با این وجود فضاهای نوین ارتباطی به رغم مزیت‌هایی که برای انسان به ارمغان آوردند سبب بروز مخاطراتی نیز شدند، مخاطراتی که به سبب ویژگی‌های خاص این فضا برای انسان به وجود آمده و در واقع به سبب شکسته شدن مرزهای حقیقی بین فرهنگ‌ها موجب شده است که کاربران اینترنتی خود را در یک فضای بسیط و نامحدود بیابند که در آن

در رفتار کودکان و رشد قوای عاطفی افسردگی و ایجاد نفرت و بی‌تفاوتی نسبت به اطرافیان می‌شود.

۵-۲-۲-۳. انزوای اجتماعی خانواده

خانواده‌های که از جانب اقوام و اجتماع طرد شده‌اند. این خانواده‌ها به دلیل اعتیاد و سابقه مجرمانه و سوءپیشینه خود، به اعتیاد، سرقت، فحشا و... اشتها یافته‌اند و اجتماع و اقوام پذیرای آن‌ها نیستند. انحطاط اخلاقی والدین از دیگر عواملی است که به عنوان عامل خانوادگی تأثیرگذار بر کودک‌آزاری مورد توجه قرار می‌گیرد.

شواهد زیادی در مورد رابطه بین انزوا و روابط اجتماعی محدود خانواده با افزایش هر بدرفتاری و بی‌توجهی به کودکان وجود دارد. خانواده‌هایی که شبکه اجتماعی گسترده‌ای ندارند، میزان بدرفتاری بالاتری را نسبت به فرزندان خود اعمال می‌کنند در خانواده‌هایی که با دیگران کمتر تماس دارند، وقتی میزان عوامل فشارزا (در ارتباط با کودک، یا شرایط اجتماعی) بیشتر از میزان حمایت‌های دریافتی باشد، احتمال بدرفتاری با کودک افزایش خواهد یافت. خانواده‌هایی که حمایت اجتماعی دریافت می‌کنند و کمک و راهنمایی جهت اجرای نقش خود را دارند و یا دوستانی دارند که بتوانند شنونده نقش‌های آنان باشند و علائم و نشانه‌های غیرعادی رفتار آنان را برایشان گوشزد نمایند، کمتر ممکن است تهاجمات بدنی را نسبت به کودکان انجام دهند (نامداری، ۱۳۷۷، ۹۶). عدم دسترسی به سیستم‌های حمایتی و وجود استرس‌های تحمیلی از جانب کودک، والدین را در معرض فشار

می‌دهد. خانواده‌های پرجمعیت مشکلات گوناگون دارند، با یکدیگر ناسازگارند، فقیرند و در مسکن‌های کوچک زندگی می‌کنند و در بسیاری موارد مبادرت به فروش فرزندان خود می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر کودک‌آزاری‌ها در خانواده‌هایی است که تعداد فرزندان بیش از ۳ نفر می‌باشد و ضمناً در این خانواده‌ها احتمال غفلت و بزه‌دیدگی اطفال افزایش می‌یابد (مدنی، ۱۳۸۳، ۱۵۰).

۵-۲-۲-۲. سابقه طلاق و جدایی در خانواده

خانواده‌هایی که طلاق در آنها صورت می‌گیرد، کودک علاوه بر آنکه قبل از طلاق در اثر تعارضات و خشونت‌های رایج در خانواده آسیب می‌بیند، پس از طلاق هم، چون با یکی از والدین زندگی می‌کند، در نتیجه در معرض تعرض انواع تهدیدها و آزارها قرار می‌گیرد. پس از وقوع طلاق و احتمالاً ازدواج مجدد، کودک صاحب نامادری یا ناپدری می‌شود که احتمال قرار دادن کودک در معرض خطر و تهدید را افزایش می‌دهد. البته بحث فقدان فیزیکی صرفاً مطرح نیست، بلکه عدم ایجاد یک محیط پر احساس و عاطفی و عاری از محبت خانوادگی نیز مدنظر است. مطالعات جرم‌شناسان و روان‌شناسان مؤید این مطلب است که یکی از علل مهم نابسامانی رفتار کودکان، خانواده‌ی مغشوش، از هم گسیخته و ناهماهنگ است. در این نوع خانواده‌ها، هیجان‌ها و اضطراب‌های عصبی و تحریک مداوم در اثر اختلالات والدین ایجاد می‌شود و موجب تأثیر

خودی خود نمی‌تواند علت بدرفتاری با کودکان باشد، اما فشاری که همراه با فقر ایجاد می‌شود بسیار زیاد است. در این خانواده‌ها میزان درآمد ناکافی است و محل سکونت این افراد نیز به دلیل توان مالی اندک، معمولاً در مناطقی است که فاقد امکانات رفاهی لازم می‌باشد. منزل مسکونی آنها معمولاً بسیار کوچک و نامتناسب با جمعیت خانواده است و کودکان ناگزیرند برای کمک به تأمین معاش خانواده به کار وادار شوند (بخشی‌پور، ۱۳۷۷، ۱۳۶). فقر با کودک‌آزاری همبستگی زیادی دارند. کودکان خانواده‌های فقیر از امنیت کمتری برخوردارند. نیازهای بهداشتی، تغذیه‌ای، آموزشی و روانی به شکل مستقیم (فراهم آوردن عوامل فردی و خانوادگی زمینه‌ساز کودک‌آزاری) می‌تواند میزان بروز شیوع کودک‌آزاری را افزایش دهد. از تبعات این عوامل می‌توان به کار کردن و ولگردی و تکدی‌گری آنها اشاره کرد (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۷۹، ۱۲۱).

علاوه بر موارد یاد شده، رفاه کامل در طبقات بالای جامعه نیز در خانواده وضعیتی ایجاد می‌کند که والدین دیگر وقت کافی برای توجه به فرزندان خود ندارند. لذا کمبود وقت و بی‌توجهی ناشی از رفاه کامل در این خانواده‌ها منتهی به غفلت یا کوتاهی در خصوص کودکان و موجب رفتارهای مسامحه‌آمیز می‌شود. مثلاً غفلت در تعلیم و تربیت کودک که از جمله مصادیق آن نارسایی در جهت فراهم آوردن حداقل اطلاعات لازم برای کودک و کوتاهی در فرستادن او به مدرسه است. از دیگر موارد در این خصوص، همچنین می‌توان به غفلت

مضاعف قرار داده و در نتیجه کودک را وسیله‌ای در جهت انتقال محرومیت و اضطراب والدین کرده و در نتیجه با او به خشونت رفتار می‌کنند.

۵-۲-۲-۴. مذهب خانواده

از دیگر عواملی که در افزایش یا کاهش بزه‌دیدگی اطفال نقش دارد مذهب است. برخی معتقدند که مذهب مانعی در جهت اعمال آزار نسبت به کودکان است. به عنوان مثال، دکتر توفیقی رییس سازمان پزشکی قانونی معتقد است کودک‌آزاری در خانواده‌های مذهبی کمتر رخ می‌دهد و یا عده‌ای معتقدند که در جامعه ما به دلیل پایبندی به اصول و معتقدات مذهبی سوءاستفاده جنسی کمتر از جوامع دیگر به چشم می‌خورد.

اعتقادات از جمله عواملی است که رعایت اصول آن باعث کاهش ناهنجاری و در نتیجه کاهش انحرافات می‌شود. آشنایی با مبانی دینی و پرورش ایمانی قوی و راسخ باعث ایجاد فضائلی از جمله: فداکاری، تقوا، خلوص، پاکدامنی، خدمت به خلق و... و دوری جستن از اندیشه‌ای غیرانسانی از جمله ظلم، ستم و دروغ در انسان‌ها می‌شود که پرورش مذهبی بزرگترین عامل بازدارنده از انحرافات است. امروزه انسان‌ها از لحاظ اعتقادی در سطح پایینی قرار دارند و مادی‌گرایی بر زندگی آنها سایه افکنده است و این امر باعث افزایش کودک‌آزاری گردیده است (خراسانی، ۱۳۸۴).

۵-۲-۲-۵. شرایط اقتصادی خانواده

اوضاع نامناسب اقتصادی از دیگر عوامل مهم بزه‌دیدگی اطفال می‌باشد. هر چند که فقر به

شدن در فعالیتهای جنسی نیز گسترش دهد که از جمله مصادیق آن استفاده از کودکان به صورت هرزه‌نگارانه است.

منطقه زندگی افراد در پیدایش یا نوع آزارهایی که به کودک وارد می‌شود رابطه دارد. این رابطه از اینجا ناشی می‌شود که اولاً، مجموعه افرادی که در یک منطقه زندگی می‌کنند، از جهاتی (فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و...) به هم شبیه هستند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و از سوی دیگر آزارهایی که خارج از خانه به کودک وارد می‌شود نیز تابعی از محل زندگی فرد و متغیرهای محیطی پیرامون او می‌باشد (کاظمی‌پور، ۱۳۷۷، ۳۳). مثلاً طبق تحقیقات انجام شده در سال ۱۳۷۸ شایع‌ترین محل ارجاع موارد کودک‌آزاری جنسی، ناحیه جنوب شهر تهران با شیوع ۲۸/۹ درصد بوده است. پس از جنوب، به ترتیب مناطق شرق، شمال، اسلامشهر و غرب تهران قرار داشتند و چون مناطق جنوب از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و جمعیت در سطح پایین قرار دارد، لذا شیوع کودک‌آزاری بیشتر است. نکته جالب این که در مناطق حاشیه که از وضعیت اجتماعی و اقتصادی نامطلوبی برخوردارند (مثل اسلامشهر) شیوع تجاوز به پسران کمتر از دختران بوده است. وضعیت مسکن افراد و نوع منزل آنها ارتباط مستقیمی با وضعیت خانوادگی آنها دارد. در یک تحقیق انجام شده ارتباط منزل مسکونی با کودک‌آزاری بررسی شده و نتیجه حاکی از این است که شیوع کودک‌آزاری جسمانی در منازل استیجاری بیشتر از منازل شخصی یا سازمانی بوده است و بعد از منازل استیجاری،

در امر پرورش سرپرستی و مراقبت کودک اشاره کرد؛ مضافاً اینکه مسامحه والدین می‌تواند پی‌آمدهایی از قبیل سر راه گذاشتن یا ترک کودک را به همراه داشته باشد. ناگفته نماند رفتارهای مسامحه‌آمیز مسأله تصادف [تصادم] کودکان را نیز افزایش می‌دهد. وضعیت آسیب‌پذیری فیزیکی کودکان آن‌ها را آماده تصادف [تصادم] می‌کند، در حالی که مسئول اصلی ممکن است والدین باشند (مصادقی، ۱۳۸۰، ۲۰۱).

۵-۲-۳. علل مربوط به اجتماع

خارج از محیط خانواده و در اجتماع بزرگ‌تر، عوامل متعددی می‌توانند زمینه بزه‌دیدگی کودکان را فراهم کنند.

۵-۲-۳-۱. محل سکونت خانواده

از جمله عوامل بسیار موثر در بزه‌دیدگی کودکان، محل سکونت آن‌ها در محله‌هایی از شهر است که سطح فرهنگی پایین‌تری دارد و میزان ارتکاب جرم در این محله‌ها بالا است. در چنین محله‌هایی است که کودکان ضمن آشنایی با همسالان خود که آن‌ها نیز از طبقات پائین دست هستند، تحت تأثیر فقر و فقدان آموزش و تربیت صحیح و مجرمانه می‌شوند. از آن جا که حمایت و توانایی لازم در برابر بزهکار بزرگ سال وجود ندارد، به ناچار به این اعمال تن می‌دهند. مبادرت به فروش مواد مخدر و کار اجباری در خیابان، نمونه‌های شایعی هستند که کودک اگرچه مرتکب آن است، اما به دلیل عدم توانایی‌اش به چشم بزه‌دیده به او نگریسته می‌شود. این بزه‌دیدگی می‌تواند دامنه خود را به درگیر

عزت نفس کودکان را نابود کند مثل بهره‌کشی جنسی. بعضی از کودکان نیز در جهت برآورده ساختن اهداف اقتصادی سودجویان به کارهای نامناسب مثل گدایی واداشته می‌شوند. کودکان خیابانی بیشتر از سایر کودکان در معرض چنین سوءاستفاده‌هایی قرار دارد و به علت شرایط خاص خودشان ممکن است مورد انواع آزارها نیز واقع شوند. با وجود قوانینی مبنی بر منع کودکان زیر ۱۵ سال (ماده ۷۹ قانون کار در ایران) و یا قوانین دفاع از حقوق کودک با مسئله نقض حقوق کودک در بازار کار و نادیده گرفتن این قوانین روبه‌رو هستیم (ملکی، ۱۳۸۴، ۵۸).

۵-۲-۴. علل آموزشی

کودک‌آزاری طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود که هر یک معنای خاص خود را دارند و مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

بی‌توجهی به کودک، بدرفتاری کلامی، آزارهای عاطفی و روانی، بدرفتاری جسمی با کودک، سوءاستفاده از کودک در زمینه‌های مختلف، استثمار کودک در زمینه‌های مختلف، و بد رفتاری تحصیلی از شایع‌ترین موارد می‌باشد. ماده ۲۸ پیمان‌نامه حقوق کودک مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو همه اقدام‌های مناسب را برای تضمین این که اداره امور انضباطی در مدارس مطابق با شأن انسانی کودک و بر طبق پیمان‌نامه حاضر باشد، معمول خواهند داشت. بدرفتاری تحصیلی شامل رفتارهایی است که به طور غیرمستقیم در محیط مدرسه توسط کارکنان آنان (مدیر، معلم) انجام

منازل سازمانی در رتبه دوم قرار دارد (محمدخانی، ۱۳۸۰، ۷۶).

اما نباید فراموش کرد که عامل محل سکونت به تنهایی چنین سرنوشتی را برای کودک رقم نمی‌زند. عدم برخورداری از امکانات و حمایت لازم برای تحصیل و امرار معاش این قبیل کودکان و برخورد غیر قاطع و شدید پلیس و دستگاه قضایی با کسانی که کودکان را وارد چرخه‌های مجرمانه می‌کنند، عواملی هستند که در کنار یکدیگر زمینه‌های بزه‌دیدگی کودکان را بیش از پیش آماده می‌سازند.

۵-۲-۳-۲. اشتغال کودکان

عامل محیطی دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد اشتغال کودکان است. در بررسی سابقه کار کودکان آزاردیده‌ای که با صدای مشاور تماس گرفته بودند مشخص شد که از میان ۳۵۷ کودک آزاردیده، ۸۴ نفر شاغل بوده‌اند که نسبت به حجم نمونه آمار قابل ملاحظه‌ای است. کار کودک به خودی خود زیان‌آور نیست، اما اگر باعث شود که کودک به اجبار از تحصیل محروم شود و یا نوع کار به نحوی باشد که حقوق کودک را ضایع کند، می‌تواند به انواع آزار منجر شود. صندوق یونیسف سازمان ملل کار کودک را در صورتی استثمار می‌داند که شرایط زیر را دارا باشد: ۱- کار تمام وقت در سن بسیار کم. ۲- ساعت‌های بسیار زیادی صرف کار کردن شود. ۳- مزد ناچیز. ۴- مسئولیت بیش از حد. ۵- کاری که مانع تحصیل شود. ۶- کار و زندگی در خیابان در شرایط نامطلوب. ۷- کاری که شرف و

۵-۲-۴-۲. ایجاد ترس و اضطراب

رفتن به مدرسه برای کودکان نه تنها ناخوشایند است، بلکه با ترس و اضطراب همراه است به خصوص هنگام امتحانات گاه آنچنان شدید است که آنها را مجبور به مراجعه به مشاوره برای روانشناسی می‌کند.

۵-۲-۴-۳. نحوه برخورد معلمان

نحوه برخورد معلمان و خصوصاً والدین باعث می‌شود که کودک با مواخذه روبه‌رو شود. فشار مضاعف از سوی والدین در چنین شرایطی مشکلات روحی و روانی کودکان را افزایش داده و آرامش روانی کودک را به مخاطره می‌اندازد.

۵-۲-۴-۴. هزینه‌های آموزشی

حق برخورداری از آموزش رایگان در قانون اساسی اشاره شده است که عامل اصلی افزایش تعداد دانش‌آموزان بعد از انقلاب بوده است. اما استفاده از امکانات آموزشی هزینه‌ای در بر دارد که برای برخی از خانواده‌ها سنگین است و این می‌تواند علت ترک تحصیل باشد. ضعف تحصیلی و مردود شدن از عوامل مهم ترک تحصیل است. اکثر والدین احساس می‌کنند هزینه بالای تحصیل، دلیل قانع‌کننده‌ای برای بیرون آوردن کودکان از مدرسه می‌باشد. در مناطق روستایی یا صنعتی وجود فرصت‌های شغلی در اختیار نوجوانان و هزینه استفاده از امکانات آموزشی باعث از دست دادن درآمد بالقوه ناشی از کار کودک برای خانواده می‌شود و همراه با هزینه‌های مستقیم تحصیل

می‌گیرد و موجب آسیب رسیدن به سلامت جسمی، روانی و ذهنی کودک می‌گردد یا شامل آسیب‌هایی است که به صورت غیرمستقیم از طریق آموزش و پرورش در جامعه به کودکان وارد می‌شود. بدرفتاری تحصیلی از دو نظر اهمیت دارد. اول اینکه، در هر جامعه گروه فراوانی از کودکان زیر پوشش آموزش و پرورش قرار دارند و در نتیجه بدرفتاری با آنان سلامت روانی و جسمی کودکان بسیاری را در معرض خطر قرار می‌دهد. دوم اینکه، دوران کودکی و نوجوانی در رشد کودکان اهمیت فراوانی دارد. بدون تردید باید بدرفتاری با آنها به عنوان مانعی در راه رشد شخصیت و سلامت روانی آنان دانست. بدرفتاری تحصیلی و همچنین فرهنگ آموزشی رایج در مدارس که بزه‌دیدگی اطفال مؤثر است، می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد:

۵-۲-۴-۱. تنبیه

با وجود بخشنامه‌های مبنی بر ممنوعیت تنبیه در مدارس که هر سال نیز به مدارس ارسال می‌شود، تنبیه به ویژه در مدارس پیرانه از شیوه‌های رایج است و حتی در مواردی به آسیب جدی منجر شده است و این نشان می‌دهد که برای منع رفتار بد با کودکان تدوین قوانین کافی نیست، بلکه، نظارت بر اجرای قوانین ضروری است. عدم آموزش معلمان در برخورد صحیح با کودک و نوجوان نوع نگرش تنبیه در مدارس و عدم تعیین حدود آن، عدم آشنایی با روحیات کودکان و عدم آموزش صحیح کودکان در رفتار خود در مدرسه و کلاس می‌تواند از عوامل تنبیه کودکان باشد.

این نیاز اساسی جامعه را مدنظر قرار دهند. اگر این ضرورت صورت نپذیرد، عناصر مفهوم «حکومت قانون»، مانند جزمیت حقوقی، قابلیت پیش‌بینی، استقرار عدالت، با چالش‌های اساسی مواجه می‌شود.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منجر به ترک تحصیل می‌شود (عطوف، ۱۳۸۶، ۵۱).

۶. نتیجه‌گیری

با گذشت زمان، متغیرهای مختلفی وارد فضای روابط میان تابعان حقوق شده است. این متغیرها هر کدام به نوبه‌ی خود، روابط میان تابعان حقوق را پیچیده‌تر نموده است. نتیجه‌ی این پیچیدگی، این است که اصول و قواعد عمومی عالم حقوق، ظرفیت لازم برای تنظیم روابط تخصصی میان تابعان حقوق را ندارد. در نتیجه لازم است که قواعد اختصاصی برای تنظیم روابط مزبور ایجاد شوند. این‌جاست که «حقوق اختصاصی» متولد می‌شود. فرآیند بزه‌دیدگی اطفال، یک فرآیند پیچیده می‌باشد، که پیچیدگی آن معلول همین متغیرهای مختلف در فضای روابط تابعان حقوق است. یکی از مهمترین متغیرها، اقتصاد و دیگری مذهب می‌باشد. همان‌طور که مشاهده شد، عواملی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در فرآیند بزه‌دیدگی اطفال تأثیر دارند، دارای مناسبات بسیار نزدیکی با متغیر اقتصاد و مذهب هستند. علل آموزشی، اجتماعی، شغلی و... همگی به نحوی ارتباط نزدیکی با اقتصاد و مذهب خانواده دارند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که، با حرکت به سوی حاکم شدن فضای نئولیبرالیسم بر جوامع و در یک کلام «کالا» قلمداد نمودن همه چیز، چالش‌های کیفری و جرم‌شناسی در جامعه نیز افزایش قابل توجهی خواهند داشت؛ در نتیجه لازم است قانون‌گذاران در مرحله پیش‌بینی و وضع قوانین،

منابع

- کاظمی پور، شهلا، سنجش نگرش نسبت به تنبیه بدنی کودکان و کودک‌آزاری، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۷۷.
- محمدخانی، پروانه، شیوع کودک‌آزاری، شایع‌ترین الگوهای آزار در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران، طرح پژوهشی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۰.
- مدنی، سعید، کودک‌آزاری در ایران، چاپ اول، تهران، نشر اکنون، ۱۳۸۳.
- مصداقی، مهنوش، حمایت از اطفال در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰.
- ملکی، حسن، کودکان و نوجوانان خیابانی، چاپ اول، تهران، نشر اکنون، ۱۳۸۴.
- نامداری، پریسا، بررسی میزان شیوع سوءرفتار در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر خرم‌آباد و تحقیق عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ولبرت برجس، آن، رگر، چریل، آر. رابرتس، آلبرت، بزه‌دیده‌شناسی نظریه‌ها و کاربردها. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- اسداللهی حاجی کرد، ملیحه، بررسی سوءرفتار والدین با کودکان در مدارس ابتدایی دخترانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۰.
- بخشی‌پور، عباس، پیشگیری اولیه از کودک‌آزاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد انستیتو روانپزشکی تهران، ۱۳۷۷.
- خراسانی، مجتبی، بررسی علل بزهکاری جوانان در استان گلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۴.
- عطوف، علی حسین، پیشگیری از کودک‌آزاری در ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر، صالح‌نژاد، صالح، «کاربست‌های نظریه‌گزینش عقلانی در تبیین جرایم و ارائه دلالت‌های سیاستی برای پیشگیری از جرم»، کارگاه، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، ۱۳۹۲.
- علیوردی‌نیا، اکبر، علیمردانی، منا، «کاربست تجربی نظریه‌فعالیت‌های روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و هشتم، شماره سوم، ۱۳۹۶.
- کاشفی اسماعیل‌زاده، محرم، بررسی وضعیت کودکان خیابانی در مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.



The process of child victimization in cyberspace with emphasis on economic factors

Seyyed Jamal Mousavi¹, Mohammad Rohani Moghaddam^{2*}, Maryam Aghaei Bajestani³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Associate Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
3. Associate Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 37-53

Article history:

Received: 3 Jul 2021

Edition: 14 Sep 2021

Accepted: 17 Nov 2021

Published online: 25 Dec 2021

Keywords:

Criminology, Cyberspace, Child Abuse, Child Victimization, Prevention

Corresponding Author:

Mohammad Rohani Moghaddam

Address:

Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-4655-0844

Tel:

09125326536

Email:

rohani113@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The phenomenon of child victimization is considered as one of the social harms and means any physical or mental harm, sexual abuse or neglect and disregard for the basic needs of the child. Cyberspace as one of the new communication environments and despite all the advantages and charms of this space is one of the most important problems related to the rapid and widespread victimization of children that the child's curiosity and inability to recognize and the speed and frequency of offenders Cyberspace requires special attention in this area.

Materials and Methods: This research is of theoretical type. The research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In this article, we have tried to observe the originality of the texts, honesty and trustworthiness.

Results: The findings of the study show that, with the advent of juvenile victimology in the last decade, great strides have been made to study victimized children and identify their characteristics and performance in committing crimes against themselves. Due to the influence of moral and religious motives on child victimology, it has presented a new perspective to victim victims under the title of "Supporting Child Victimism."

Conclusion: There are generally good provisions in various laws, but it seems that the main problems in law enforcement are dealing with victimized children and the use of alternative punishments instead of traditional punishments.

Cite this article as:

Mousavi SJ, Rohani Moghaddam M, Aghaei Bajestani M. The process of child victimization in cyberspace with emphasis on economic factors. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(4): 37-53.